

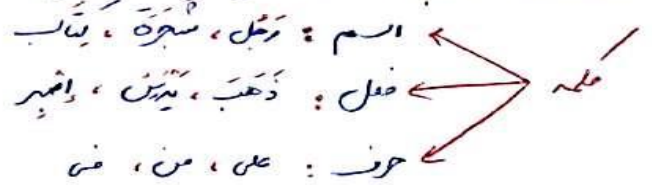
« باسمه تعالی »

درس اول :

سلام دوستان

مادر این درس مه خواستیم با « صیغه های افعال عربی » آشنا شویم .

اما لازمه در ابتدای کار بدانیم که در زبان عربی یک واژه ای به چند نوع تقسیم می شود :



\* مِنْ ضمیمه است که کِیْفَ واژه ای در زبان عربی به سه نوع: یَعْنِ اسم، فعل و حرف تقسیم می شود .

اسم و فعل در زبان عربی این شرایط را دارند که از حالت کسری تبدیل شوند و یَعْنِ قابلیت این را دارند که صرف شوند؛ یعنی اسم، فَعْلٌ، مصدر و جمع می شود و فعل به ماضی، مضارع و امر تبدیل

می شود و این یعنی تصریف اسم و فعل؛ اما حرف در زبان عربی صرف نمی شود یعنی همیشه به

یک حالت باقی می ماند .  
صرف اسم ← مُخْرَجٌ ، مُخْرَجَةٌ ، أَخْرَجَ ، أَخْرَجَتْ ، مُخْرَجًا ، مُخْرَجَاتًا

صرف فعل ← مَرَّحَ ، تَمَرَّحَ ، مَرَّحًا ، مَرَّحَاتًا ، مَرَّحًا ، مَرَّحَاتًا ، أَمْرًا

\* عَدَدٌ فحیدن تعالی بلا - صیغه های فعلی عربی می گردانیم :

✓ فعلها در زبان عربی مانند زبان فارسی به حاضر، مضارع و امر تقسیم می شوند .

حاضر	مضارع	امر	حاضر	مضارع	امر
ذهب	یذهب	اذهب	خرج	یخرج	اخرج
رنت	تنت	ارنت	نشد	ینشد	اشد
خرج	یخرج	اخرج	کتب	یکتب	اكتب
خارج شد	خارج بود	خارج شو	رنت	مروید	بنویس

گفتنی با فعل ماضی :

✓ فعل ماضی ؛ فعلی است که بر حالت یا جزای دلالت میکند که در زمان گذشته اتفاق افتاده است .

مانند : ذَهَبَ ؛ رَفَعَ  
مانند : ضَرَبَ ؛ زَادَ

این وزن در زمان گذشته اتفاق افتاده است .

✓ فعل ماضی در زبان عربی به سه گروه تقسیم میشود  
غایب  
مخاطب  
تکلم

\* فعل ماضی بر سه اندیشه از فعل مضارع و امر نشناخته شود علامت های خاص خود را دارد که با بدین آنها همراه هستیم  
آن را مشخص دهم .

علامت های خاص فعل ماضی :

۱- ضمائر بیوسه فاعلی ؛ ذَهَبْتُ ، ذَهَبْنَا ، ذَهَبْتُمْ ، ذَهَبْتُمْ ، ذَهَبْتُمْ

۲- حرف (ث) ساکن که فقط در فعل ماضی یافت میشود . ذَهَبْتُ ، ذَهَبْتُمْ ، ذَهَبْتُمْ

۳- با توجه به علامت های گفته شده در بالا می فهمیم که فعل ماضی در آغاز خود چیزی ندارد و تنها ضمائر فاعلی

به آن می چسبند تا فاعل داشته باشند کار را مشخص کند در گذشته غایب ، مخاطب ، تکلم مکرر میبرد .

فعل ماضی به ۱۴ صیغه ی غایب ، مخاطب و تکلم تقسیم میشود :

غایب	مخاطب	تکلم
مفرد	مفرد	مفرد
مثنی	مثنی	مثنی
جمع	جمع	جمع

گفته : صیغه ی مفرد مذکر غایب ماضی جمع ضمیره به آن افزوده نمیشود . ذَهَبَ ، خَرَجَ - ظَنَّمَ  
\* کلمه ضمیره در آن بهمان است . ذَهَبَ = او رفته . ضمیره بچنان (هو) در آن وجود دارد .

مفرد	مفرد	مفرد
كَلِمَةٌ (انت)	كَلِمَةٌ (انت)	كَلِمَةٌ (انت)
كَلِمَاتٌ (انتها)	كَلِمَاتٌ (انتها)	كَلِمَاتٌ (انتها)
كَلِمَتَيْنِ (انتن)	كَلِمَتَيْنِ (انتن)	كَلِمَتَيْنِ (انتن)

مكثم : مكثم مع احمد  $\leftarrow$  كَلِمَتٌ (انا)  
 مكثم مع الفير  $\leftarrow$  كَلِمَاتٌ (نحن)

\* حال فعل خرج را به صورت ماضی صرف می‌کنیم :

مفرد	مفرد	مفرد	مفرد	مفرد
خَرَجَ	خَرَجَ	خَرَجَ	خَرَجَ	خَرَجَ
خَرَجَا	خَرَجَا	خَرَجَا	خَرَجَا	خَرَجَا
خَرَجُوا	خَرَجُوا	خَرَجُوا	خَرَجُوا	خَرَجُوا

- انواع فعل ماضی :
- ۱- فعل ماضی ساده : بیانگر رخداد یا کاری است که در زمان گذشته اتفاق افتاده و ارتباطی با زمان حال ندارد .  
 معرفت : دانست ، شنید
  - ۲- فعل ماضی نقلی : بیانگر کاری است که در گذشته انجام شده و تا عین زمان نیز ادامه دارد .  
 ترکیب ماضی نقلی = ماضی ماضی نقلی + ماضی ماضی نقلی  
 معرفت ماضی نقلی : بیانگر کاری است که در گذشته به شکل مستمر و ادامه دار صورت گرفته است .  
 ترکیب ماضی نقلی = ماضی ماضی نقلی + ماضی ماضی نقلی (مستمر)
  - ۳- فعل ماضی استمراری : بیانگر کاری است که در گذشته در طول زمان و ادامه دار صورت گرفته است .  
 ترکیب ماضی استمراری = ماضی ماضی استمراری + ماضی ماضی استمراری  
 معرفت ماضی استمراری : بیانگر کاری است که در گذشته در طول زمان در حال انجام بوده است .
  - ۴- فعل ماضی بعید : این فعل بیانگر کاری است که در گذشته دور یا خیلی دور حاصل شده است .

فعل ماضی بعید با ترکیب زیر حاصل می‌شود :

كان + (قد) + فعل ماضی : كان قد ذهب - كُنْتُمْ قد ذهبتم  
 رفته بود - رفته بودید

كان + (تد) + فعل ماضی : كان تد ذهب - كُنْتُمْ تد ذهبتم  
 رفته بود - رفته بودید

كان + (تد) + فعل ماضی بعید : كان تد ذهبتم  
 رفته بود و فعل ماضی بعید نظر تکمیلی است



فعل مضارع : فعلی است که یا کثیر ماضی یا حاله است که در بیان حال یا گذشته آنکارا می‌آید .  
بِزَهَبُ : می‌رود  
کَثِبْتُ : می‌زنم

✓ فعل مضارع از فعل مانده ساخته می‌شود .

✓ فعل مضارع دو ویژگی خاص دارد :

۱- حروف مضارعه : حروف مضارعه در ابتدای فعل مضارع می‌آید و فعل مضارع ساخته می‌شود .

« ا - ت - ی - ن » ← این چهار حرف ، حروف مضارعه هستند .

به سادگی فعل مضارع زیر توجه کنید :

فعل مانده	+	حرف مضارعه	=	فعل مضارع
زَهِبَ		بِزَهَبُ		بِزَهَبُ
خَرَجَ		تَخْرُجُ		تَخْرُجُ
نَصَرَ		أَنْصُرُ		أَنْصُرُ
فَرَحَ		نَفْرَحُ		نَفْرَحُ

۲- حرکت صمه ، نکه و ساکن در حروف (ن) در ابتدای فعل :  
فعل مضارع صرب است و در ابتدای فعل ما حرکت صمه ، نکه یا ساکن یا حرف (ن) را می‌بینیم

بِزَهَبُ      نِزَهَبُ      لَمْ أَزْهَبْ      نِزَهَبُونَ

نکته : اگر فعل از فعل مضارع حرف نامیه یا جارمه باشد فعل حرکت صمه می‌گیرد و یا حرف (ن) دارد .  
بِزَهَبُ      نِزَهَبُونَ      نِزَهَبَانِ      تَنْزَهَبِينَ      تَنْزَهَبُ      يَذْهَبِينَ      يَذْهَبُونَ

نکته : اما اگر حرف مضارعه قبل از فعل مضارع بیاید فعل مضارع در آخرش «نکه» می‌آید و می‌شود  
یا اگر حرف (ن) داشته باشد آن حرف «ن» حذف می‌شود .

حروف مضارعه : أَنْ ، لَنْ ، كَسَى ، وَازَنَ و ... (این حروف با حرف مضارع می‌آید)

نوعه فعل های منصرف :  
 لَنْ يَذْهَبَ - أَنْ يَذْهَبُوا - لَنْ تَذْهَبَ - كَيْ تَذْهَبَا - وَإِنْ تَخْرُجُوا

نکته : اگر بر سر فعل های مضارع حرف جار به بیاید فعل مضارع مجزوم می شود و حرف «ن» حذف می شود.  
 حرف جار به : هم ، ما ، لائمه ر ... ( این حرف جار به باعث جزم فعل مضارع و حذف حرف (ن) می شوند )  
 نوعه فعل های مجزوم :

كَمْ تَذْهَبُ - كَمْ يَذْهَبُوا - لَا تَذْهَبُ -

\* فعل مضارع نیز بر پایه فعل عامه که مرده تقسیم می شوند  
 تقسیم فعل مضارع به ۱۴ صفتی غایب ، مخاطب و مستقیم :

غایب :	مذکر	مؤنث
منرد	يَذْهَبُ	تَذْهَبُ
منه	يَذْهَبَانِ	تَذْهَبَانِ
جمع	يَذْهَبُونَ	تَذْهَبْنَ

مخاطب :	مذکر	مؤنث
منرد	يَذْهَبْ	تَذْهَبِ
منه	يَذْهَبَا	تَذْهَبَا
جمع	يَذْهَبُوا	تَذْهَبْنَ

مستقیم :  
 مستقیم وجه : يَذْهَبُ  
 مستقیم وجه : تَذْهَبُ

فعل امر! بگیر دستور یا امری است که به شخصه درصم تاکن! انجام دهره

✓ فعل امر از فعل مضارع ساخته میشود.

برای ساختن فعل امر باید که حروف زیر را از فعل مضارع حذف کنیم:

- ۱- حذف حرف مقدمه از آغاز فعل مضارع
- ۲- اضافه کردن حرف همد، آغاز فعل مضارع (در صورتیکه حرف بعد از حرف مضارع ساکن باشد)
- ۳- جزم کردن آخر فعل مضارع یا حذف حرف لان.

تَذَهَّبُ ← ذَهَبُ (چون حذف ساکن است، اضافه کردن حرف لام است) اِذْهَبْ ← بَرِهْ

اُخْرِجْ ← اَخْرَجْ ← خَارِجْ

تَسْعَمُ ← تَعَمَّمْ (چون حرف اول حرکت دارد، نیازی نیست که حزه امر آورده شود). وِئَسْ بَرِهْ

تَلَبَّأْ ← التَّبَّأْ

تَدْرِبَانِ ← رَدَّبَا (حذف حرف لان) بَرَدَّبَا (سما درنا)

تَذَهَّبُونَ ← اذْهَبُوا بَرَدَّبُوا (سما جندقی)

فعل مضارع: فعل مضارع هم ترسوا ضرع فعل امر است؛ زیرا حاد را این نوع فعل از فحاصب من خلاصه کاری! انجام ندهد.

برای ساختن فعل مضارع از حرف ((لا)) نصب استفاده میکنیم و آخر فعل را همزاد میزنیم.

تَذَهَّبُ ← لا تَذَهَّبُ (نزد)

تَخْرُجُ ← لا تَخْرُجُ (خارج نسوز)